



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۱۰/۱۷

احسان لمر

## پیشینه مشروطه خواهی و دموکراسی در افغانستان

قسمت سوم و اخیر

اولین هسته تشکیل نیرو مخفی چپ در کشور:

مقاله نسبتاً کوتاه و جالب و بویکو در مورد چپ افغانستان وجود دارد، که در مقایسه با آن دو دیگر در دادن اطلاعات مفید تر است همچنان در «کتاب سیاه کمونیسیم»، کتاب گ. پ. او: ترور مخفی روسیه و آثاری که در مورد انقلابیون مهاجر و حکومت موقت هند (راجا پرتاپ سنگه و مولوی برکت الله) در افغانستان و استخبارات جاپان در افغانستان و غیره نام برد.

سطور پایانی از مقاله «فیاض نجیمی بهرمان» تحت عنوان - نخستین سازمانهای چپ رادیکال افغانستان در دهه ۱۹۲۰ - از سایت دیدگاه [didgah.de/archives/253](http://didgah.de/archives/253) مورخ ۵ جنوری ۲۰۱۷ نقل شده و نویسنده با استفاده از نوشته های مورخین و محققین شوروی که در ذیل ذکر شده این نوشته را ترتیب نموده.

بعد از پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ شوروی سیاست حزب سازی روسیه شوروی در رابطه به افغانستان و حتی کشور های اطراف و همسایه را میتوان به دو مرحله تقسیم بندی نمود:

۱- عصر لنین که بیشتر بر زمینه نظریه چو کات شده پیروزی انقلاب قریب وقوع انقلاب جهانی هم در غرب و هم در شرق استوار بود. آن سیاست هر چند صلح دوستی را به حیث یک اصل ضروری برای ثبات نظام جدید شوروی القا می نمود، ولی همچنان لحظه ای برای تحقق اهداف از پیش تعیین شده سیطره جویانه گسترش امپراتوری سرخ خویش فارغ نبود. برای عملی ساختن آن نه تنها از ادارات تنظیم کننده سیاست های خارجی و نهاد های اجرایی قدرت، بلکه سازمانهای خاص امور سیاسی در شرق نیز استفاده می شد. سازمان بین المللی سیاسی که با رهبری بلشویک ها ارتباط تنگاتنگ داشت و عملاً توسط کمینترن اداره می شد، در انتشار تأثیرات کمونیستی به شرق و سایر نقاط جهان نقش خاص داشت.

۲- سیاست شوروی بعد از مرگ لنین و عصر ستالین. در این دوره برعکس نظریه لنینی شکستادن ماشین دولت، نظریه سوسیالیسم بروکراتیک دولتی الویت پیدا کرد و نقش حزب و حزب سازی عمدتاً به فعالیت های استخباراتی و ایجاد شبکه های گسترده جاسوسی در داخل و خارج برای حفظ منافع رژیم ستالینیستی پدید آمد.

«از آغاز سال ۱۹۱۹ در تاشکند، در جنب کمیته منطقه ای حزب کمونیست بلشویک روسیه، یک ارگان فعال وجود داشت که وظیفه اصلی آن کار با کشور های دیگری همجواری با ترکستان بود. در آخر سال ۱۹۱۹ به ابتکار شاخه روابط خارجی کمیسیون ترکستانی کمیته مرکزی حزب کمونیست بلشویک روسیه، شورای تبلیغات بین المللی در شرق، که به حیث شعبه شرقی کمینترن فعالیت می نمود، ایجاد گردید. شورا کار و فعالیت تمام سازمان ها و گروه های انقلابی در شرق را رهبری میکرد. و از طریق ادارات ویژه مرزی در قفقاز - ترکیه، فارس، افغانستان - هند، بخارا - خیوه، کاشغرستان - چین عمل میکرد.

در اصل پس از مریضی لنین و تشدید مبارزه قدرت در درون حزب کمونیست بلشویک روسیه تا تصاحب کامل قدرت توسط ستالین بعد از سال ۱۹۲۲، تمایل حزب کمونیست به موجودیت یک ارگان مافوق به مثل کمینترن کم شد، زیرا در کمینترن شخصیت هایی از احزاب کمونیستی و سوسیالیستی یا مستقیم و یا غیر مستقیم در مقاطع مختلف زمانی، حضور می یافتند، که مستقل بودند و زیر بار نظریات ریویزیونیستی - آنتی مارکس لنین، ستالین و دیگران نه می خواستند بروند. بخصوص رهبران اروپایی و شمال امریکا حتی شخصیت هایی مثل مانا بندراناته روی از هند همه در برابر نظریه مرکزی مخالفت میکردند. از اینرو سرنوشت کمیته ترمز هم در نتیجه اختلافات در درون کمینترن نا معلوم گردید یکی از این گونه کار ها مقاله کوچکی است از خایفتس کارشناس شوروی - روسی مسایل افغانستان که به مناسبت ۶۰ سالگی عقد نخستین قرارداد میان روسیه و افغانستان سال ۱۹۲۱، نگاشته شده بود و در آن از ایجاد گروهی بخارا به نام «کمیته مرکزی جوانان انقلابی افغان» یاد می شد. (۳۴) کار دیگر مربوط به یک

د پانو شمیره: له ۱ تر ۶

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولی

کارشناس روسی تبار انگلیسی به نام ولادارسکی می باشد که به موضوع ایجاد سازمانهای چپ در افغانستان میپردازد و دارای فاکتورهای اضافی و جدید آرایه می باشد. ۳۵

حوزه کار و وظایف این اداره ها عبارت از سازماندهی مراکز مخفی زیر زمینی در داخل کشور ها و نواحی یاد شده، گسیل جواسیس و غیره بود. تمام احزاب و گروه های انقلابی از سببایدی های شورای تبلیغات بین المللی بهره می جستند. در زمستان سال ۱۹۲۰ حزب عدالت فارس و حزب کمونیست بخارا تحت راهبری شورا فعالیت می نمودند. و احزاب ترکی، خویه ای و افغانی جدیداً سازماندهی شدند. «(۳۶) این احزاب به حیث بخشی از شعبات سیاسی شورا عمل میکردند.

«شورا پیوسته به سوی کار مخفی انقلابی در هند چشمداشت ، زیرا هند نه تنها دارای شرایط مساعد برای مبارزه انقلابی در مجموع بود، بلکه همچنین آمادگی برای پذیرش اندیشه کمونیستی را نیز داشت» ۳۷

اما در رابطه به افغانستان هم طوریکه رییس شورا در تابستان سال ۱۹۲۰ تأکید می نمود: «زمان برای جوشش در شرق فرا آمده ، حتی افغانستان کمتر آماده برای انقلاب نیز از این امر مستثنی نیست» ۳۸

اساساً افغانستان برای کمینترن و بلشویک ها از اهمیت ثانوی در ساختار الویت های انقلابی در شرق برخوردار بود. و در بهترین حالت آنها به افغانستان به حیث «دهلیز مناسب برای نفوذ به هند می دیدند.» (۳۹) ولی با وجود آن میکوشیدند تا کانون های انقلابی را هم در میان افغانهای مهاجر در آسیای میانه و هم در داخل افغانستان ایجاد کنند . مسأله مهم اینست که این سازمان ها به دو مفهوم اساسی فلسفی - سیاسی یعنی انقلاب و جمهوریت اهمیت زیاد قابل بودند. همچنان تنوری توطئه و ترور جزء از برنامه های آنها به شمار میرفته است. البته نظریه ترور در میان حلقه های سیاسی افغانستان شاید یک عمل مثبت بوده باشد، به این مورد می شود جداگانه پرداخت.

یکی از سازمان های سیاسی چپ افغانستان در سال ۱۹۲۰ در بخارا به نام کمیته مرکزی «جوانان انقلابی افغان» تحت رهبری محمد یعقوب ایجاد گردید. (۴۰) شباهت نام آن با «جوانان افغان» ممکن تصادفی نبوده باشد، زیرا آنها ممکن خواسته باشند تا حلقه شان را بخش انقلابی «جوانان افغان» بدانند. اما در درون جنبش «جوانان افغان» شخصیت های به مثل لودین یا محمد ولی خان (وزیر دفاع پس از نادر خان) موجود بودند که با روسیه شوروی نزدیکی داشتند. حتی بعد از سال ۱۹۲۴ به توصیه محمد ولی خان، یک تن از شخصیت های چپ طرفدار شوروی و عضو فعال جوانان افغان به نام محمد عمر خان به حیث فرمانده عمومی ارتش یا لوی در ستیز مقرر شد که دارای تحصیلات بسیار عالی در آن زمان بود و به ۴ زبان انگلیسی، روسی، فرانسوی و آلمانی تکلم میکرد.

اعضای گروه «جوانان انقلابی افغان» یا از داخل افغانستان بودند و یا هم از جمع کسانی که در بخارا، ترکستان و با روسیه زندگی میکردند و «مدافع انقلاب در افغانستان» بودند. دولت افغانستان که از این مسأله آگاهی داشت، از روسیه تقاضا نمود تا آنها را به افغانستان برگرداند، ولی «دولت بخارا به آنها پناهندگی داد.» (۴۱)

هدف اصلی این سازمان عبارت از سرنگونی ساختار حاکم سیاسی در افغانستان و استقرار اداره جمهوری بود. برای نیل به آن هدف، آنها طرح داشتند تا به کمک و پشتیبانی حکومت شوروی «غند های سرخ» ایجاد کنند ، کار نشراتی و تبلیغاتی به پیش برند تا زمینه «قیام نظامیان و مردم علیه حکومت را فراهم آورند.» (۴۲) فیصله شده بود که نخست در مناطق مرزی (خر گاه، کوشک، تخته بازار و دیگر مناطق) و بعداً در داخل افغانستان (مزار شریف، هرات و غیره) شاخه های سازمان ایجاد گردد. مطابق نظامنامه داخلی «جوانان انقلابی افغان»، پایگاه عملیاتی و منابع مالی و حمایتی آنها باید روسیه می بود. ویژگی سازمان در آن بود که رهبران آن عملیات تروریستی را جزء از شیوه های تاکتیکی خویش مدنظر گرفته بودند. اما در اجرای چنین اهداف کدام سندی در دست نیست. رد یابی فعالیت این کمیته حتی بعد از سال ۱۹۲۱ ممکن نیست و دلیل عمر کوتاه آن شاید ایجاد دفتر جدید ترکستانی کمینترن در تاشکند بوده باشد، که امور را میخواست از نو سازمان دهد. «(۴۳)

این ساختار غیر متبلور با گروه رهبری کننده پیوسته در حال تغییر همچنان به طور متداوم در درون بحران دست و پا می زد. رهبران آن در پائیز سال ۱۹۲۰ سکولنیکف، روی و سفروف بودند. در یکی از اسناد آن دوره آمده است که: «مسأله سازمان انقلابی افغانی در بخارا و به خصوص کار با هندی ها نشان دادند که «بحران» موجود لاینحل سازمان کمینترن تا چی حد برای ما گران تمام می شود.» (۴۴) ستراتیژیست های مسکو تلاش ورزیدند تا به گونه ای گماشتگان شان در آسیای میانه را کمک نمایند: از جمله خواستند تا به شیوه مرکزیت گرایانه موضوع را حل نموده و برای افغانها، فارس ها و هندی ها در دانشگاه کمونیستی زحمتکشان مشرق زمین جای آموزش سازمان دهند» (۴۵)

اسناد آرشیفی همچنان حاکی از چند تلاش دیگر برای ایجاد ساختار های سیاسی وفادار به ماسکو می باشد. طور مثال در سال ۱۹۲۰ در شهر ترمز، کمیته انقلابی مرکزی تحت رهبری محمد غفار که در تشکیل آن ۵۵ عضو شامل بودند و از ولایات مختلف افغانستان از جمله کابل نمایندگی میکردند، ایجاد گردید. بیشترین اعضای آن از ولایات شمال بودند. اعضای کمیته صریحاً از رهبری شوروی تقاضا مینمودند تا برای آنها «مربیان امور، پول و معاش ماهانه بفرستند.» (۴۶) لست نامها در ضمیمه است. کار این حلقه نیز تا دیر دوام نکرد زیرا مشکل عبارت از موجودیت پراگندگی در کار شاخه شرقی کمینترن بود.

و بالاخره برای اولین بار سازمان متمایل به چپ رادیکال در داخل افغانستان میان سالهای ۱۹۲۰ و ۱۹۲۱ در هرات به یاری دیپلماتهای شوروی و اجنت های آنها ایجاد گردید. طوری که از اطلاعات نماینده روسی کمیساریای خلق در امور خارجی در آسیای میانه بر میآید حلقه بی از انقلابیون به وجود آمدند ، که به کمک مالی شوروی کار و فعالیت میکردند. کار آنها نسبتاً جالب بود زیرا آنها به کار شان بیشتر خصوصیت شعبوی داده بودند یعنی یک سازمان آموزشی را پایه گذاری کردند که بیشتر به امور فرهنگی و روشنگری میپرداخت. ولی همزمان وظایف پروپاگندی را در میان اردو و توده های زحمتکش پیش میبرد. این گروه به کمک کارکنان دفتر دیپلماتیک روسیه ارتباطات شان را با گروه بخارایی انقلابیون افغانی برقرار کرده بود. (۴۷) یعنی ارتباط میان افغانهای مخفی و مهاجرین افغان آسیای میانه موجود بود.

در مورد ادامه کار مشترک آنها اطلاعات دقیق در دست نیست. اما حلقه هرات از تأثیر و نفوذ در بین مردم و نظامیان برخوردار بود. حتی بعد ها شخصیت های معروف به مثل عبدالمجید زابلی و یا محمد سرور جويا نیز با این حلقه ارتباط داشتند. و نشریه «فریاد» به سر محرری سرور بدخشی - و صاحب امتیازی سرور جويا نیز بخشی از فعالیت های آن حلقه بوده است. به اساس گزارشات قونسلگری شوروی در هرات، گفته می شد که ترور سرور جويا گویا به توطئه خلیل الله خلیلی به هدف نابودی حلقه کمونیست های هرات صورت گرفته بود. (۴۸) به تعقیب ترور « سرور جويا» نخست به مشهد جهت تداوی رفت و بعد برای مدت زیاد به ماسکو سفر کرد. در هنگام برگشت به کابل مدت شانزده سال زندانی شد **ولی بعد از خروج از زندان از حمایت زابلی برخوردار بود.** همچنان سرور بدخشی و امین ترابی با دو همکار دیگر شان صفر علی امنی و عبدالحسین توفیق ، پس از ترور جويا، دستگیر شدند و به مدت های مختلف میان ۸ تا ۱۱ سال در زندان دهمزنگ حبس گذشتانند. **بعد ها سرور بدخشی پس از رهایی به مثل سرور جويا از حمایت زابلی برخوردار گردید و برای مدت زیاد به حیث مدیر تحریرات بانک ملی افغان ایفای وظیفه کرد.**

از جمله تأثیر و پیامد عمده اندیشه های حلقه هرات و حلقات دیگر این بود که پس از سقوط امان الله خان حرکتی در درون حکومت حبیب الله کلکانی از سوی نیرو های تحول طلب به رهبری شیر جان در جریان بود که مشترکاً با عبدالرحیم خان والی هرات میخواستند جمهوری پارلمانی را در افغانستان برقرار سازند. « **تاکید از ما است.**» مرحوم عبدالمجید خان زابلی عضو کابینه سردار هاشم خان (وزیر تجارت ۱۹۳۸ - ۱۹۴۶) و هم شاه محمود خان (وزیر اقتصاد ملی ۱۹۴۶ - ۱۹۵۰) سرمایه دار بزرگ، و موسس بانک ملی در کشور می باشد. نور محمد خان تره کی، در شرکت تجاری عبدالمجید خان زابلی در آغاز جوانی به عنوان کاتب به کار مشغول شد. هنگامی که نمایندگی شرکت پشتون مربوط به عبدالمجید زابلی در هندوستان تاسیس شد، او به عنوان منشی شرکت به آنجا سفر کرد. بعد از برکناری عبدالمجید خان زابلی از کابینه تره کی را در تجارتخانه خصوصی خود به کار گماشت که مدتی بعد از آن جا نیز رانده شد. پس از کودتا ۷ ثور ۱۳۵۷ عبدالمجید خان (۳۲۵ میلیون افغانی) دارای منقول و غیر منقول در کابل پغمان و هرات را به دولت جمهوری دموکراتیک واگذار شد.

\*\*\*\*\*

\* در این رابطه حکایتی را از مرحوم کاکای بزرگوارم « عبدالله خان یوسفی» {که از اولین دسته محصلین امانیه در فرانسه بودند} قابل یاد آوری می دانم این که:

دولت فرانسه یک تعداد بورس تحصیلی برای جوانان جاپانی اختصاص داد اما از آن کشور دو برابر محصل بجای تعداد تعیین شده به فرانسه فرستادند، فرانسویان شکایت کردند که ما برای تعدادی که تعیین نمودیم، لیلیه و دیگر آمادگی ها را داریم نه دو برابر آن، جاپانی ها به جواب گفتند ما از شما تنها ویزا و اجازه ورود به کشور تان را می خواهیم از دو چند بودن محصلین به تشویش نه باشید.

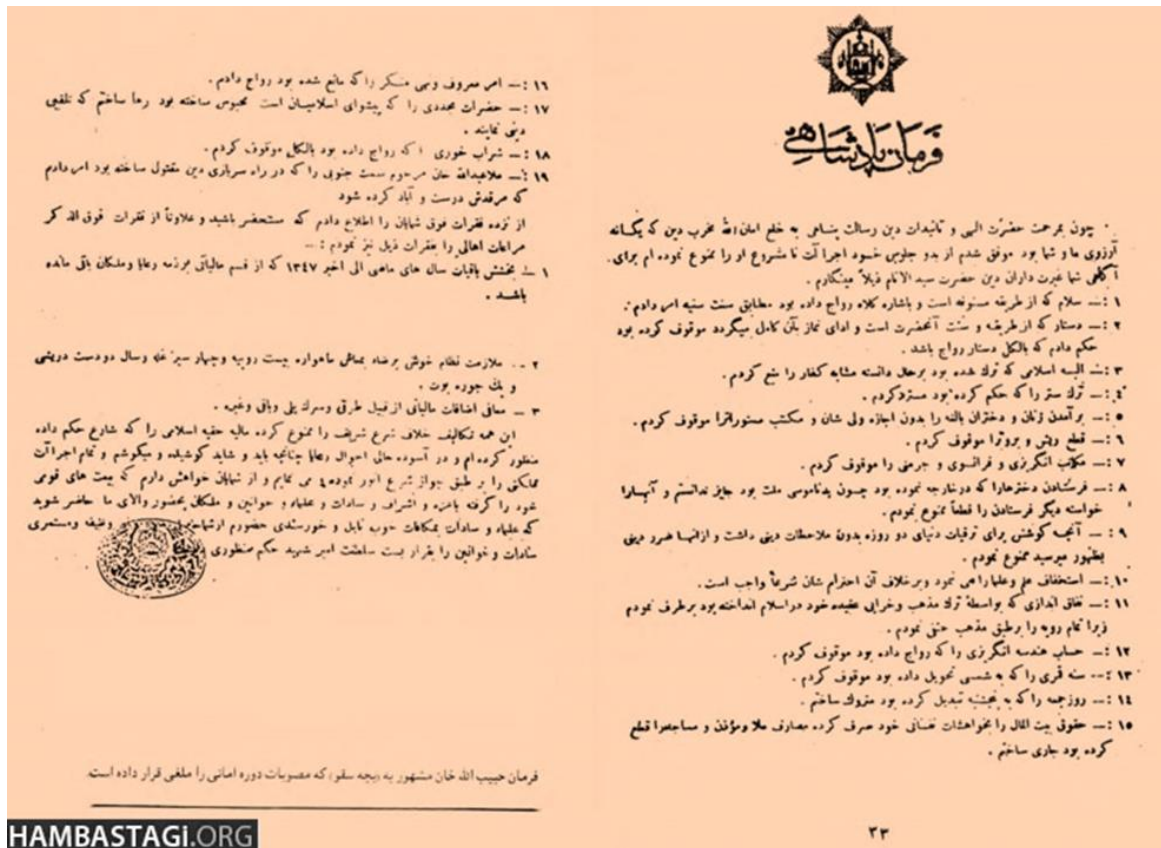
محصلین جاپانی رفتن به صنف درسی و اطاق خواب را بین هم تقسیم می کردند، یعنی یک شان به صنف درسی می رفت و همه نوت ها و یادداشتهای لازم را می گرفت و ریفش در روز در لیلیه استراحت می کرد ، بعد از ظهر آن محصلی که نوت ها و درسها را یاد داشت کرده بود آن را به ریفش می داد و او تمام شب زیر چراغ دهلز یا حتی روی سرک درس را می خواند و دوستش شب را در لیلیه سپری می کرد، فردا ریفش به صنف درسی و لیلیه میرفت نفر اولی تکرار عمل دوستش را می نمود بدین گونه در اخیر سال دو محصل عین دروس را تکمیل نموده و صاحب تحصیلات عالی می شدند.

**ولی در عین زمان در کشور بد شانس و بخت برگشته ما عده خانن مکتب رفتن و تحصیل را نتیجه کافر شدن دانسته و در ضدیت با روشنی های نهضت امانیه قرار گرفته و با تحریک حبیب الله کلکانی فرمانی تکفیر نهضت امانیه را صادر نمودند که در آن آمده بود: {شماره ها به ترتیبی می باشد که در فرمان آمده است.}**

- ۵ - برآمدن زنان و دختران بالغه را بدون اجازه ولی شان و مکتب مستورات را موقوف کردم .
- ۷ - مکاتب انگریزی و فرانسوی و جرمنی را موقوف کردم .
- ۸ - فرستادن دخترها را که در خارجه نموده بود چون بد ناموسی ملت بود جایز ندانستم و آنها را خواسته دیگر فرستادن را قطعاً ممنوع نمودم .
- ۹ - آنچه کوشش برای ترقیات دنیای دو روزه بدون ملاحظات دینی داشت و از آنها ضرر دینی آنها به ظهور میرسید ممنوع نمودم .
- ۱۲ - حساب هندسه انگریزی را رواج داده بود موقوف کردم.

### «فرمان پادشاهی» حبیب الله کلکاتی، سند ضدیت با علم و ترقی

منتشر شده در شماره ۹ حوت ۱۳۰۷ «حبیب الاسلام» نشریه رسمی آن عصر



فوتو از سایت حزب همبستگی افغانستان ۱۰ سنبله ۱۳۹۵ و نوشته محترم سید رحیم شریفی استفاده شده است.

«حکومت رحیمه حکیمه در اندیشه سیاسی - اجتماعی سید جمال الدین افغانی» عنوان نوشته نهایت زیبا آقای جمعه خان محمدی در دانش نامه آریانا در رابطه به نظریات سید در باره مشروطیت و دموکراسی و حکومت استبدادی می باشد، گر چند نویسنده ایرانی تلاش نموده با در نظر داشت شتونیزم مذهبی رژیم ایران او را «شیعه» بنویسد اما مسئول سایت آقای محمد مهدی زاده نوشته است که: «البته اسنادی موجود است از دوران ناصرالدین شاه که سید جمال الدین را به سبب سنی بودن و فرد غریبه مرعوز مورد مذمت قرار داده اند. شیعه بودن و ایرانی بودن او داستانی است که بعد از ترور ناصرالدین شاه ساخته و پرداخته شده است. اسناد زیاد در این مورد موجود است که حقایق را کاملاً آشکار میکند.» از نظر گذشتان آن سطور (جدا از ایرانی جلوه دادن سید) خالی از دلچسپی نیست. ضمناً زحمات و تلاشهای موثر و محققانه و وطن دوستانه آقای مهدی زاده کابلی مسئول سایت در تمامی کار های شان نهایت قابل قدر می باشد.

لطفاً به آدرس ذیل مراجعه نمایید.

د پانوی شمیره: له ۴ تر ۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خبر و لولئ

## منابع و مأخذ:

- ۱- نصیر مهرین - آیا سید جمال الدین افغانی بنیاد گذار نو آوری های دوره شیر علی خان بود؟ - مقاله در سایت اینترنت برگرفته از رساله حیات سید جمال الدین افغانی و تتمه البیان فی التاریخ الا فغان ترجمه محمد امین خوگیانی، سال ۱۳۱۸ خورشیدی، مطبوعه عمومی کابل ص ۱۴.
- ۲ - عین مأخذ برداشت از نامه مورخ ۲۹ - ۵ - ۱۹۹۷ سید قاسم رشتیا به مهرین.
- ۳ - استاد احمد علی کهزاد - بالا حصار کابل و پیش آمد های تاریخی آن - چاپ دوم مرکز میوند پشاور ۱۳۷۸.
- ۴ - عبدالله شادان - شمس النهار، نخستین نشریه در افغانستان - بی بی سی دوشنبه ۰۳ اکتبر ۲۰۱۱ - ۱۱ مهر ۱۳۹۰.
- ۵ - عین مأخذ.
- ۶ - میر محمد صدیق فرهنگ - افغانستان در پنج قرن اخیر - طبع سال ۱۹۸۸ امریکن سپیدی ویزجینیا - شادان.
- ۷ - میر غلام محمد غبار افغانستان د مسیر تاریخ ۱۳۴۵ مطبوعه دولتی کابل ص ۵۹۴
- ۹ - پوهاند سید سعد الدین هاشمی - جنبش مشروطه خواهی در افغانستان - شورای فرهنگی افغانستان سویدن ۱۳۸۰ ش ص ۶۴.
- ۱۰ - عین مأخذ ص ۶۵.
- ۱۱ - جنبش مشروطیت ایران سایت: [www.tehranfestival.com/files/content/pdf](http://www.tehranfestival.com/files/content/pdf)
- ۱۲ - دکتر اکرم عثمان - مصاحبه با آقای سیاوش مسئول سایت زندگی - قسمت ۱۰ به استناد از، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، " نهضت مشروط ایران بر پایه اسناد وزارت امور خارجه"، واحد نشر اسناد، چاپ نخست، سال ۱۳۷۰، ص ۴ و ۸.
- ۱۳ - سایت رادیو آزادی - خان عبدالغفار خان و نهضت عدم خشونت - جمعه ۶ میزان ۱۳۹۷ کابل.
- ۱۴ - شادروان دکتر عثمان. { مصاحبه با آقای سیاوش }.
- ۱۵ - عین مأخذ.
- ۱۶ - غلام محمد غبار - صفحه ۷۵۰.
- ۱۷ - شادروان اکرم عثمان.
- ۱۸ - عیناً.
- ۱۹ - بشیر سخاورد - آیا جنبشی به نام مشروطه وجود داشت؟ - دویچه وله دری مورخ ۱۴ مارچ ۲۰۱۲.
- ۲۰ - ولی احمد نوری - سردار محمد رحیم ضیائی «شویون کابلی» انجمن فرهنگ افغانستان فرانسه میزان ۱۳۸۲
- ۲۱ - عیناً.
- ۲۲ - غلام محمد غبار ص ۴۶۰.
- ۲۳ - عیناً.
- ۲۴ - پوهاند هاشمی ص ۲۳۶.
- ۲۵ - عبدالحی حبیبی - جنبش مشروطیت در افغانستان - چاپ جدید ۱۳۷۲ مرکز پخش قم ایران ص ۲۵ و ۳۴.
- ۲۶ - سید مسعود پوهنیار - جنبش مشروطیت و قربانیان استبداد - ص ۴۹ چاپ پشاور سال ۱۳۷۵.
- ۲۷ - همانجا
- ۲۸ - غبار ص ۷۲۰.
- ۲۹ - عین مأخذ ص ۸۰۳.
- ۳۰ - محمد صادق مجددی - خاطرات سیاسی - صفحات ۱۱۸ - ۱۲۱.
- ۳۱ - دکتر عبدالرحمن زمانی - باز نگری دوره امانی و توطئه های انگلیس - نشرات مسکا جلال آباد ۲۰۱۳ میلادی ص ۳۸۴.
- ۳۲ - خواجه بشیر احمد انصاری - شیخ شهر ما؛ مظهر آمیزش مقدس و ملوث - سایت انترنتی.
- ۳۳ - مصاحبه فرید سیاوش با خواجه بشیر احمد انصاری - بحث داغ ۲۰۱۰ - سایت زندگی.
- ۳۴-Хейфец А. Узы добрососедства и братства. нерасторжимы/К 60-летию первого советско-афганского договора //Азия и Африка сегодня, 1981
- ۳۵-Володарский М.И. Советы и их южные соседи Иран и Афганистан (1917 - 1933). Overseas Publications Intercharge Ltd, L., 1985.
- ۳۶- Российский центр хранения и изучения документов новейшей истории. далее - РЦХИДНИ), ф. 544, оп. 1, д. 9, л. 4; ф. 17, оп. 84, д. 80, л. 13
- ۳۷- РЦХИДНИ, ф. 544, оп. 1, д. 9, л. 2. 4.

۳۸ - همانجا

د پانو شمیره: له ۵ تر ۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خیر و لولئ



۴۰-. В.С. Бойко .Советская Россия и афганские леворадикальные группы начала 1920-х годов .Анналы, ИВ РАН, М.,1995, вып. II, с. 74-81

۴۱-. РЦХИДНИ, ф. 17, оп. 84, д. 242, л. 15

۴۲-. Там же, ф. 544, оп. 3, д. 47, л. 19

۴۳-. Там же, ф. 495, оп. 154, д. 98, л. 61

۴۴-. Там же, ф. 17, оп. 84, д. 201, л. 40

۴۵-. Там же, ф. 495, оп. 154, д. 98, л. 7

۴۶-. Там же, ф. 495, оп. 154, д. 98, л. 53

۴۷-. Там же, ф. 495, оп. 154, д. 98, лл. 70-72

۴۸ - نگاه شود به سایت دیدگاه، قهرمان حوادث مزار، نویسنده: وی. اس. بویکو، برگرداننده ف. ن. بهرمان.

پایان